طول و عرض شعر

صنعتی زاده، همایون

از همایون صنعتی چند«قطعهء شعری»در مجله چاپ شده است. پیش از این هم مجموعه‏ای از اشعارش به نام«قالی عمر»منتشر شده بود. اخیرا مجموعه‏ای از اشعارش بنام«شور گل»نشر شده و این است نظر او دربارهء شعر.

(آینده)

در صنعت ظریف و دشوار«شعر»ساختن تخصص ندارم و بی‏تجربه هستم.از روی تفنن شعر می‏سازم.مانند آنها که به قصد مشغولیت خاطر نقاشی،باغبانی عکاسی،یا نجاری و صحافی می‏کنند.

اگر از شعر و نقاشی در چهارچوب صنعت و حرفه یاد می‏کنم و نه زیر عنوان«هنر»بی‏سبب‏ نیست.لازمهء«هنر»نبوغ و الهام و خبرویّت است.مقولاتی که می‏دانم از آنها بی‏بهره‏ام.ساختن هریک‏ از قطعات یا تابلوهائی که دراین مجموعه آمده‏اند مدتها طول کشید.بعبارت دیگر هیچکدام آنها بالبداهه بوجود نیآمدند و حاصل«حال»و یا میوهء«ذوق»و یا نتیجه«طبع»نیستند.روی بعضی آنها ماهها و حتی سالها کار کردم.نه دایم و یکنواخت بلکه متناوب.آنگاه که فراغتی پیش می‏آمد.

بیان شاعرانهء دیده‏هایم-چون تجربه و تخصص نداشتم-سهل و آسان نبود.زبان و قلم من‏ نتوانسته‏اند حق خیال و چشمم را ادا کنند.قافیه و وزن کمک کارم بودند،مانند مسافری که بخواهد از رودخانهء سیلابی و بی‏پل کوهستانی گذر کند.قافیه سنگهائی است که در فواصل کم‏وبیش مساوی سر از آن بیرون آورده باشند.مسافر از این سنگ بدان یکی می‏جهد تا عرض رودخانه را طی نماید.وزن‏ طنابی است بر پهنای رود تا مسافر بدان تکیه کند.آنقدر که روابط منطقی و مکانیسم مجاز عناصر تابلو هستم،نگران تناسب رنگها و یکدستی سایه‏روشن‏ها نیستم.کوشیدم مناظر چشمگیر را با لحنی دلپذیر ابراز کنم.اما مواظب بودم تا امانت در عقل،قربانی خوش‏آمد لفظ نشود.

طبیعت و بافت مناظری که ترسیم شده‏اند،رعایت قواعد علم مرائی و مناظر را اجباری کرد. بقول اروپائی‏ها نوعی«پرسپکتیو»را رعایت کرده‏ام،یا لااقل سعی کرده‏ام که بکنم.

غزل بمعنی رایج آن در ادب فارسی به نظرم نوعی نقاشی به سبک مینیاتور است،فارغ از زمان‏ و مکان.نقاشی است که از زاویهء دید مشخصی تصویر نشده است.آنچه در این مجموعه آمده است، نقاشی در مکتب مینیاتور نیست.تصور می‏کنم بیشتر شباهت به نقاشی کلاسیک غربی دارد.تماشا از پنجرهء چشم نقاش صورت می‏پذیرد.

آنچه سروده شده خلاصه‏ایست از تجارب شخصی و مشاهدات سیاحت زندگی.احتمال می‏دهم‏ برای کسانی که ممکن است مطبوع و مأنوس باشند که در سیر و سیاحت تنهای خویش از همان مرز و بوم‏ و عوالم گذشته‏اند.در غیر این صورت،حس استدراک آنها نمی‏تواند سریع و فوری باشد.

بایستی از مرحوم حبیب یغمائی استاد هنرمند و قلندر زمان یاد کنم که همیشه به آنچه در دست‏ ساختن داشتم نگاه می‏کرد و اصلاح می‏نمود و گاهی تشویق.هم‏چنین از خانم پروین دولت‏آبادی که‏ یکی دو بار دستم بگرفت و پابه‏پا برد.

همایون صنعتی‏زاده